

به نام خداوند جان و خرد

خلاصه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران / شهید استاد مرتضی مطهری

ملخص: محراب نجعی نژاد

کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران نوشته شهید مطهری می باشد، این کتاب شامل ۳ فصل است :

فصل اول: اسلام از نظر ملیت ایرانی

فصل دوم: خدمات اسلام به ایران

فصل سوم: خدمات ایران به اسلام

در بخش اول به این پرسش پاسخ داده شده است که آیا هیچ گونه تضاد و تناقضی میان احساسات مذهبی و احساسات ملی ما ایرانیان وجود ندارد یا اینکه اساسا دارای دو نوع احساس متضاد (مذهبی و ملی) می باشیم ؟
بخش دوم پاسخ به پرسش دیگری است و آن اینکه دین اسلام آنگاه که در ۱۴ قرن پیش به ایران وارد شد ، چه تحولات و دگرگونی هایی در میهن ما به وجود آورد و آیا اصولا ورود اسلام به ایران برای این کشور موهبت بود یا فاجعه؟ فصل « کارنامه اسلام در ایران » در واقع ماحصل و نتیجه نهایی مباحث طرح شده در این بخش است.
در این فصل رهاوردهای ارزشمند اسلام برای ایران بیان شده است.

در بخش سوم به پرسش دیگری پاسخ داده شده است و آن اینکه ایرانیان چه نقشی در راه نشر و بسط تعالیم دین اسلام داشته اند و انگیزه ایرانی در این خدمات چه بوده است ؟

و شامل دو بحث اصلی است :

الف) کبرای بحث

ب) صغرای بحث

الف) کبرای بحث: طبق این مقیاس ملیت، ملاک این که چیزی جز ملیت یک قوم را در خارج از آن قرار دهیم، چیست؟

ب) صغرای بحث: طبق این مقیاس آیا اسلام از نظر ملیت ایرانی یک امر خودی است یا یک امر بیگانه است؟

یکی از بحث‌هایی که در قرن حاضر در میان تمام ملل رواج بسیار داشته است بحث ملیت است. این موج ابتدا در اروپا بالا گرفت چه بسا در آنجا طبیعی بود، زیرا مکتبی که بتواند ملل اروپا را در یک واحد انسانی و عالی جمع کند، وجود نداشت. این بحث سپس سلاح استعماری برای اجرای اصل ((تفرقه بینداز و حکومت کن)) شد. با سرگرم کردن ملت ما به افتخارات موهوم قومی و ملی، آنها را به مرور از یکدیگر جدا کرد و در همین دوره بود که پدیده‌هایی همچون ((پان ترکیسم)) و ((پان عربیسم)) بوجود آمد. در جامعه اسلامی هم این بحث نه بدست مردم بلکه از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها و بالاتر از آن از سوی قدرت‌های اروپایی و آمریکایی ترویج شد. در پیرامون این بحث لازم است چند نکته تذکر داده شود:

اولاً: بطور کلی مسأله ملیت بر خلاف اصول تعلیمات اسلام است.

ثانیاً: شاید گفته شود تهییج احساسات ملی در برخی از ملت‌ها باعث رهایی آنها از دست استعمار و استقلال ایشان شده است ولی باید گفت: که برای جامعه اسلامی که قرن‌هاست این مرحله را طی کرده و به وحدت فکری، عقیده‌ای و ایدئولوژیکی رسیده است. این جریان سبب تفرقه و جدایی می‌شود و در حقیقت یک ارتجاع به حساب می‌آید زیرا همانطور تاریخ چند قرن معاصر نشان می‌دهد، اسلام می‌تواند در مبارزات ضد استعماری اثرگذاری بیشتری نسبت به ملیت از خود نشان دهد.

با مطالعه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران ، متوجه می‌شویم که مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخار آمیز است هم برای ایران ، برای اسلام به عنوان یک دین که به حکم محتوای غنی خود ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیفته خویش ساخته است و برای ایران به عنوان یک ملت که به حکم روح حقیقت خواه و بی تعصب و فرهنگ دوست خود بیش از هر ملت دیگر در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است.

مطهری در مقدمه چاپ نخست تاکید دارد که کتاب حاضر پاسخ به سه پرسشی است که مهمترین پرسش ها در باره ایران و اسلام است : اول پرسش مفهوم ایران و ملت ایرانی و نسبت آنها با اسلام ؛ دوم پرسش سهم ایرانیان در بسط و گسترش اسلام و ظهور دادن تمدن اسلامی ؛ و سوم سهم اسلام در شکوفایی ایران . کتاب به این سه پرسش پاسخ می دهد و مطالب آن تفصیل و تکمیل ۹ سخنرانی در طول سه سال بود. مطهری می نویسد در طول اقامت در تهران تاکنون (از ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۷) ندیدم هیچ‌یک از سخنرانی هایم تا بدین حد مورد استقبال قرار بگیرد . علت استقبال خود موضوع بود یعنی مسئله ایران و اسلام برای مردم اهمیت داشته است. مطهری ذکر می کند مسئله اسلام ایران از جانب مستشرقان و برخی از تاریخ نویسان ایران، تحریف شده و بیشتر بر صرف ایرانییت و تقابل با اسلام متمکز بوده و اسلام را مساوی با عربی بودن دانسته و بر زدودن گرایش های اسلامی به بهانه عربی بودن و مخالف ایرانی بودن اصرار داشتند. وی می گوید این مسئله بدرستی مطالعه نشده است. مقدمه ای در باره ملت، زبان و نژاد و قومیت، روشنفکری در ایران و سه مرحله آن و نقش سازنده و پیشرو بودنش در مرحله سوم که شریک درد و رنج های مردم و جامعه اش می شود.

*عنوان بخش نخست: اسلام از نظر ملیت ایرانی صفحات ۴۵ تا ۱۲۷

ما و اسلام ، واژه ملت ، ناسیونالیسم ، آغاز اسلام ایرانیان ، نفوذ آرام و تدریجی اسلام ، زبان فارسی ، تشیع ایرانیان .

ما و اسلام

یک سلسله افکار و عقاید در اثر این روابط از دیگران به ما رسیده است، همچنانکه ما نیز به نوبه خود در افکار و عقاید دیگران تأثیر می‌گذاریم. هر جا که پای قومیت و ملیت دیگران به میان آمده مقاومت کرده و در ملیت دیگران هضم نشده ایم و در عین اینکه به ملیت خود علاقه مند بوده ایم این علاقه مندی زیاد تعصب آمیز و کورکورانه نبوده و سبب کور باطنی ما نگشته است تا ما را از حقیقت دور نگاه دارد و قوه تمیز را از ما بگیرد و در ما عناد و دشمنی نسبت به حقایق به وجود آورد.

بنابراین حق داریم روابط اسلام و ایران را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهیم، و سهم خود را در نشر معارف اسلامی و نیز سهم اسلام را در ترقی مادی و معنوی خویش با دقت کامل و با اتکاء بهمدارک معتبر تاریخی روشن نماییم.

واژه ملت

چنانکه می‌دانیم جامعه اسلامی از ملل مختلفی تشکیل شده است، در گذشته اسلام از ملل مختلف و گوناگون، یک واحد به وجود آورد به نام جامعه اسلامی. این واحد اکنون نیز واقعا وجود دارد، یعنی واقعا در حال حاضر یک واحد بزرگ یک میلیاردی وجود دارد که فکر واحد و آرمان واحد و احساسات واحد دارد و همبستگی نیرومندی میان آنان حکم فرماست. هر اندازه جدایی میان آنهاست مربوط به خود آنان نیست، مربوط به حکومتها و دولت‌ها و سیاست‌هاست.

ناسیونالیسم

گرایش به جنبه های قومی و ملی در زبانهای اروپایی "ناسیونالیسم" خوانده می شود که برخی از دانشمندان فارسی زبان آن را ملت پرستی ترجمه کرده اند. ناسیونالیسم مطابق بیان گذشته بر عواطف و احساسات قومی و ملی متکی است نه بر عقل و منطق. ناسیونالیسم اگر تنها جنبه مثبت داشته باشد، یعنی موجب همبستگی بیشتر و روابط حسنه بیشتر و احسان و خدمت بیشتر به کسانی که با آنها زندگی مشترک داریم بشود ضد عقل و منطق نیست و از نظر اسلام مذموم نمی باشد. اسلام برای کسانی که طبعاً حقوق بیشتری دارند، از قبیل همسایگان و خویشاوندان، حقوق قانونی زیادتری قائل است. ناسیونالیسم آنگاه عقلاً محکوم است که جنبه منفی به خود می گیرد، یعنی افراد را تحت عنوان ملیت‌های مختلف از یکدیگر جدا می کند و روابط خصمانه ای میان آنها به وجود می آورد و حقوق واقعی دیگران را نادیده می گیرد.

آغاز اسلام ایرانیان

در حدود چهارده قرن است که ایرانیان مذاهب سابق خود را کنار گذاشته و آیین مسلمانی را پذیرفته اند. در خلال این قرون صدها میلیون ایرانی با مذهب اسلامی زاده شدند و پس از گذراندن دوران زندگی باهمین آیین جان به جان آفرین تسلیم کردند. طبق گواهی تاریخ، پیغمبر اکرم در زمان حیات خودشان پس از چند سالی که از هجرت گذشت نامه‌هایی به سران کشورهای جهان نوشتند و پیامبری خود را اعلام و آنها را بدین اسلام دعوت کردند. یکی از آن نامه‌ها نامه ای بود که به خسرو پرویز پادشاه ایران نوشتند و او را به اسلام دعوت کردند، ولی چنانکه همه شنیده ایم خسرو پرویز تنها کسی بود، که نسبت به نامه آن حضرت اهانت کرد و آنرا پاره کرد. این خود نشانه فساد بود که در اخلاق دستگاه حکومتی ایران راه یافته بود، هیچ شخصیت دیگر از پادشاهان و حکام و امپراتوران چنین کاری نکرد، بعضی از آنان جواب نامه را با احترام و توأم با هدایایی فرستادند. خسرو به پادشاه

یمن که دست نشانده حکومت ایران بود دستور داد که درباره این مرد مدعی پیغمبری، که به خود جرئت داده که به او نامه بنگارد و نام خود را قبل از نام او بنویسد تحقیق کند و سریع او را نزد خسرو بفرستد.

نفوذ آرام و تدریجی اسلام

فرهنگ ایران به فرهنگ اسلامی جلوه گری نهاد و پایه تعلیمات بر اساس ادبیات عربی و مبانی دین اسلام قرار گرفت، بالطبع توجه شعرا و نویسندگان به نقل الفاظ و مضامین عربی فزونی گرفت و کلمات و امثال و حکم پیشینیان قبل از اسلام در نظم و نثر کمتر می آمد. چنانکه به حسب مقایسه در سخن دقیقی و فردوسی و دیگر شعرای عهد سامانی و اوایل عهد غزنوی نام زرتشت و اوستا و بوذرجمهر و حکم وی بیشتر دیده می شود، تا در اشعار عنصری و فرخی و منوچهری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می زیسته اند. تاریخ نشان می دهد که هر چه استقلال سیاسی ایرانیان بیشتر شده اقبال آنها به معنویات و واقعیات اسلام فزونی یافته است. طاهریان و آل بویه و دیگران که نسبتاً استقلال سیاسی کاملی داشتند، هرگز به فکر این نیفتادند که اوستا را دوباره زنده کنند و دستورات آن را سرمشق زندگی خود قرار دهند، بلکه بر عکس با تلاشهای پیگیرانه، برای نشر حقایق اسلامی کوشش می کردند.

زبان فارسی

حقیقت اینست که اگر زبان های دیگر از قبیل فارسی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی زبان یک قوم و ملت است زبان عربی تنها زبان یک کتاب است. مثلاً زبان فارسی زبانی است که تعلق دارد به یک قوم و یک ملت، افرادی بی شمار در حیات و بقای آن سهمیم بوده اند. هر یک از آنها به تنهایی اگر نبودند، باز زبان فارسی در جهان بود. زبان فارسی زبان هیچکس و هیچ کتاب به تنهایی نیست نه زبان فرد و سیاست و نه زبان رودکی و نه نظامی و نه

سعدی و نه مولوی و نه حافظ و نه هیچ کس دیگر است، زبان همه‌است ولی زبان عربی فقط زبان یک کتاب است به نام قرآن. قرآن تنها نگهدارنده و حافظ و عامل حیات و بقای این زبان است و تمام آثاری که به این زبان به وجود آمده در پرتو قرآن و به خاطر قرآن است. کسانی که به این زبان خدمت کرده اند و کتاب نوشته اند به خاطر قرآن بوده است، کتابهای فلسفی، عرفانی، تاریخی، طبی، ریاضی، حقوقی و غیره که به این زبان ترجمه یا تألیف شده فقط به خاطر قرآن است. پس حقا زبان عربی زبان یک کتاب است نه زبان یک قوم و یک ملت. اگر افراد برجسته ای برای این زبان احترام بیشتری از زبان مادری خود قائل بودند از این جهت بود که این زبان را متعلق به یک قوم معین نمی‌دانستند بلکه آن را زبان آیین خود می‌دانستند و این کار را توهین به ملت و ملیت خود نمی‌شمردند. احساس افراد ملل غیر عرب این بود که زبان عربی زبان دیناست و زبان مادری آنها زبان ملت. به طور کلی آیین و قانونی که متعلق به همه افراد بشر است نمی‌تواند روی زبان مخصوصی تکیه کند، بلکه هر ملتی با خط و زبان خود که خواه ناخواه مظهر یک نوع فکر و ذوق و سلیقه است می‌تواند بدون هیچ مانع و رادعی از آن پیروی کند. بنابراین اگر می‌بینید ایرانیان پس از قبول اسلام باز به زبان فارسی تکلم کردند، هیچ جای تعجب و شگفتی نیست و به تعبیر دیگر این دو به یکدیگر ربطی ندارد که مغرضان، آنرا نشانه عدم تمایل ایرانیان به اسلام بدانند.

تشیع ایرانیان

ایرانیان از قدیم الایام که اسلام اختیار کردند، بیش از اقوام و ملل دیگر نسبت به خاندان نبوت علاقه و ارادت نشان دادند. ماهیت و اهمیت این ابتکار فکر و عاطفه ایرانی که برای حفظ "ملیت" او صورت گرفته با مطالعه بیشتری در مذهب قدیم ایران، یعنی دین زردشتی و آداب و رسوم و سنتی که از آن دین وارد رشته شیعه دین اسلام شده بهتر معلوم گشته و رابطه فرقه شیعه با تاریخ باستان ایران و همینطور دوره فعلی حیات ما روشن می‌شود، یعنی درک می‌کنیم که چطور بعضی عقاید و سنن ایران باستان از طریق مذهب شیعه برای ما حفظ

شده است. ایرانیان نیز ناخود آگاه برخی عقاید خویش را با فرهنگ اسلامی حفظ کردند. متأسفانه پاره ای خرافات هم اکنون در میان برخی ایرانیان وجود دارد از قبیل پریدن از روی آتش در چهارشنبه آخر سال و سوگند خوردن به سوی نور چراغ که از بقایای ما قبل اسلام است و این وظیفه اسلامی است که با مقیاس‌های اصولی اسلام عقاید پاک و خالص اسلامی را از کدورت اندیشه های جاهلی همیشه دور نگاه دارند.

****عنوان بخش دوم: خدمات اسلام به ایران صفحات ۱۲۷ تا ۳۲۱**

موهبت یا فاجعه ، نظام فکری و اعتقادی در ایران پیش از ورود اسلام ، ادیان و مذاهب در ایران ، دین زرتشتی و ایران، نظام اجتماعی و اخلاقی ، کارنامه اسلام در ایران.

موهبت یا فاجعه

خدمتی که یک کیش یا مسلک به یک ملت می تواند بکند چگونه و از چه نوع است؟ بدیهی است که به صورت بر آوردن یک نیاز آنی نیست که مثلاً در یک جنگ نیرو به کمک آن‌ها بفرستد، یا در یک خشکسالی آذوقه وارد کند و یا یک کارخانه برای آنها تاسیس نماید، خیلی اساسی تر از اینها است. به اینست که تحولی مفید و ثمربخش در اندیشه و روح آنها به وجود آورد، طرز تفکر آنها را در جهت واقع‌بینی نو کند، اخلاق و تربیت آنها را بهبود بخشد، سنن و نظامات کهنه و دست و پاگیر آنها را بر اندازد و به جای آنها سنن و نظاماتی زنده جایگزین سازد، ایمانی و ایده ای عالی به آنها الهام نماید، شور و هیجان و کار و کوشش و دانش طلبی و نیکوکاری و از خود گذشتگی در آنها به وجود آورد. وقتی که چنین شد بالطبع زندگی اقتصادی آنها بهبود می یابد، نیروی انسانی‌شان به کار می افتد، استعدادهای علمی، فلسفی، فنی، هنری، ادبی شان می شکفتد و بالاخره در همه شئون آنچیزی که تمدن نامیده می شود تکامل صورت می گیرد.

نظام فکری و اعتقادی در ایران پیش از ورود اسلام

اسلام بدون شک یک نظام فکری و اعتقادی جدید به ایران داد و همان طور که قبلا ذکر کردیم مردم ایران بشکل بی سابقه ای نظامات فکری و اعتقادی اسلام را پذیرفتند و افکار و معتقدات پیشین خود را دور ریختند و این پذیرش دفعی و فوری نبود، تدریجی بود و مخصوصا بیشتر در دوره استقلال و قدرت ایرانیان در مقابل اعراب صورت گرفت. این بحث از این جهت دلکش است که از طرفی اسلام از یک امتیاز خاص برخوردار است که هیچ آیینی مانند آن این اندازه نتوانسته است روح مردم مغلوب را تحت تاثیر و نفوذ معنوی خود قرار دهد.

ادیان و مذاهب در ایران

بنابر تشکیلات آن زمان، روحانیان که موبدان و هربدان اختیارات نامحدود داشتند و مخصوصا موبدان و پیشوای بزرگشان و "موبدان موبد" در دربار ساسانی مهمترین مقام را داشته و ایشان حق هرگونه تعبیر و تفسیر و جرح و تعدیل و نقض و ابرام و ناسخ و منسوخ در احکام مدنی داشته اند، اندک اندک هر چه تمدن ساسانی بیشتر رسوخ می یافته بر قدرت و اختیار شان بیشتر افزوده می شد. ناچار مردم ایران از فشار ایشان و تجاوزاتی که به آنها می شد، بیزارتر می شدند و می کوشیدند که از زیر بار گران این ناملايمات خود را بیرون آورند به همین جهت در مقابل طریقه رسمی زرتشتی که مذهب دولت و دربار بود و به آن "بهدین" می گفتند، دو طریقه دیگر در میان زرتشتیان پیدا شده بود. در دوره ساسانی مهمترین ناحیه شاهنشاهی ایران، سرزمین عراق و بین النهرین امروز بوده که همیشه میدان جنگ در میان ساسانیان و رومیان می شده است بیشتر مردم این سرزمین از نژاد سامی بوده اند و به زبان های سامی سخن میرانده اند و خدمت بزرگی که به ایران کرده اند این است که علوم یونانی و به اصطلاح «علوم اوایل» را از زبان یونانی به زبان سریانی که زبان ایشان بوده است، ترجمه می کرده و طب و

ریاضیات و نجوم و فلسفه را در ایران انتشار داده و دانشمندان نیز بسیار از ایشان برخاسته اند. در همه تاریخ چند هزار ساله این کشور، تنها اسلام است که تدریجا اکثریت قاطعی به دست آورد. پس از انقراض سلسله اشکانی، نوبت پادشاهی به اردشیر بابکان رسید، ظهور وی دیباچه کتاب سعادت ایران به شمار می رود. ملت ایران از پرتو کوشش‌های او رونقی مخصوص یافت. مذهب‌ها و مسلک‌هایی از قبیل مانوی و مزدکی را پس از دو سه قرن به کلی ریشه کن ساخت.

***عنوان بخش سوم: خدمات ایران به اسلام صفحات ۳۲۱ تا ۴۰۰

دو قرن سکوت و خدمات متقابل

مطهری در مقدمه اصلی کتاب تصریح دارد غالباً کسانی که در مسائل مشترک اسلام و ایران سخن گفتند یا اطلاع کافی نداشتند یا انگیزه ای غیر از تحقیق محرک آنها بوده است. این مسائل درست طرح نشده است. مطهری می گوید می خواهد حقیقت مطلب را بررسی کرده و از غرض‌ورزی‌های نادرست پرهیز کند. مطهری در ذیل روشنفکران و محققان ایرانی، از دو قرن سکوت نام می برد. در لابلای کتاب و نیز در پایان کتاب به دو قرن سکوت اشاره کرده و دیدگاه‌های زرین کوب در باره ایران و اسلام را نقد می کند. مطهری می نویسد عجباً! می گویند در طی این دو قرن زبان ایرانی خاموشی گزیده بود و ایرانی سخن خویش جز بر زبان شمشیر نمی گفت! مطهری بر خلاف زرین کوب می گوید ایرانیان با یک ایدئولوژی جهانی و انسانی آشنا شدند و شاهکارهای علمی و زبانی آفریدند. این دو سه قرن دوره ای است بسیار جالب توجه و مهم و از این حیث عظیم‌النظیر است، امتزاج ادوار قدیم و جدید است دوره تحول آداب و تطور مراسم و سیر عقاید و افکار است و به هیچ وجه دوره رکود و سکون یا مرگ نیست.

مزیت‌ها

کتاب خدمات متقابل دو مزیت اساسی دارد که تاکنون به این مهم کمتر توجه شده است. اهمیت نخستین آن این است که می‌توان به نحو بنیادین میان دین اسلام و اعراب تمایز قائل شد. اگر حتی در همین زمان هم بررسی نماییم می‌بینیم نظریه غالب در میان محققان عرب این است که اسلام چیزی غیر از عربی بودن نیست. مزیت دوم کتاب این است که توجه بنیادین به نقش متفکران و اندیشمندان ایرانی در ظهور دادن علم و تمدن اسلامی دارد. مطهری با واقع بینی تاریخی و نه صرفاً دفاع، دستاوردهای متفکران ایرانی در دانش‌های مختلف را بررسی کرده و ایرانیان را پیشتازان و پایه‌گذاران بسیاری از دانش‌ها معرفی می‌کند. تاسیس فلسفه، کلام، فقه، تفسیر، تدوین جوامع حدیثی، طبیعیات و جبر و ریاضیات و طب و... از سوی ایرانیان صورت گرفته و مطهری در این اثر به بررسی تاریخی و تحلیلی آن می‌پردازد.

ملخص: محراب نجعی نژاد